پس از [شهادت‌] وى هیچ سپاهى از آسمان بر قومش فرود نیاوردیم و [پیش از این هم‌] فروفرستنده نبودیم. (28) تنها یک فریاد بود و بس. و بناگاه [همه‌] آنها سرد بر جاى فسردند. (29) دریغا بر این بندگان! هیچ فرستاده‌اى بر آنان نیامد مگر آنکه او را ریشخند مى‌کردند. (30) مگر ندیده‌اند که چه بسیار نسلها را پیش از آنان هلاک گردانیدیم که دیگر آنها به سویشان بازنمى‌گردند؟ (31) و قطعاً همه آنان در پیشگاه ما احضار خواهند شد. (32) و زمین مرده، برهانى است براى ایشان، که آن را زنده گردانیدیم و دانه از آن برآوردیم که از آن مى‌خورند. (33) و در آن [زمین‌] باغهایى از درختان خرما و تاک قرار دادیم و چشمه‌ها در آن روان کردیم. (34) تا از میوه آن و [از] کارکرد دستهاى خودشان بخورند، آیا باز [هم‌] سپاس نمى‌گزارند؟ (35) پاک [خدایى‌] که از آنچه زمین مى‌رویاند و [نیز] از خودشان و از آنچه نمى‌دانند، همه را نر و ماده گردانیده است. (36) و نشانه‌اى [دیگر] براى آنها شب است که روز را [مانند پوست‌] از آن برمى‌کنیم و بناگاه آنان در تاریکى فرو مى‌روند. (37) و خورشید به [سوى‌] قرارگاه ویژه خود روان است. تقدیر آن عزیز دانا این است. (38) و براى ماه منزلهایى معین کرده‌ایم، تا چون شاخک خشک خوشه خرما برگردد. (39) نه خورشید را سزد که به ماه رسد، و نه شب بر روز پیشى جوید، و هر کدام در سپهرى شناورند. (40)